

عاملیت نوجوان، عیارسنجی در داستان گزارش مرد لوبیایی از مهدی رجبی

رویا یدالهی شاهراه*

چکیده

نگارنده در این مقاله، ابتدا دیدگاه‌های نظریه‌پردازان و منتقدان مطرح حوزه‌ی داستان نوجوان را درباره‌ی مسئله‌ی عاملیت نوجوان در این داستان‌ها مطرح کرده است؛ سپس این مسئله را به‌طور خاص، در قالب دوگانه‌هایی مفهومی از منظر دو نظریه‌پرداز ادبیات نوجوان، روبرتا سیلینگر-ترایتس و کارن کوتس، تبیین و صورت‌بندی کرده است. در مرحله‌ی بعد، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی فیلیپ می‌رینگ و با تکنیک روندهای موازی، در یک نمونه داستان نوجوان ایرانی (گزارش مرد لوبیایی از مهدی رجبی)، این دوگانه‌های مفهومی را برای تحلیل وضعیت عاملیت شخصیت داستانی نوجوان به کار برده است. تحلیل‌ها نشان داد سوژه‌ی نوجوان در این رمان، از نظر عاملیت، در طیف میان سوژه‌ی مستقل رمانتیک و سوژه‌ی برساخته و نسبتاً مقهور پست‌مدرن واقع است، اما در بخش پایانی داستان، انتخاب اصلی او متمایل به اندیشه‌ی رمانتیک است و متضمن اندیشه و عمل آگاهانه در برابر مواضع ایدئولوژیک دیگر و نفی اهمیت آن‌هاست. با این وصف می‌توان گفت عاملیت سوژه‌ی این داستان بیش‌تر بر اساس اندیشه‌ی رمانتیک تصویر شده و بر استقلال سوژه تأکید دارد، اما باتوجه‌به تعلیق وضعیت سوژه در پایان داستان و طرح امکاناتی چون جنون یا مرگ سوژه، بر اهمیت نهادهای قدرت و نیز بر اهمیت مرگ به منزله‌ی امری زیستی و گریزناپذیر تأکید می‌شود. از سوی دیگر، پایان‌بندی داستان با تکیه بر اندیشه‌ی کنارهم‌بودن و برتری‌دادن آن بر سایر اندیشه‌های جایگزین، بر شکل‌گیری نوعی هویت زایا دلالت دارد که البته مستلزم گسست از سایر بخش‌های اجتماع و نادیده گرفتن آن‌هاست.

واژه‌های کلیدی: داستان نوجوان، سوژه‌ی پست‌مدرن، سوژه‌ی رمانتیک، عاملیت، گزارش مرد لوبیایی، مهدی رجبی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد zoryatay@yahoo.com

۱. مقدمه

داستان نوجوان در کشور ما سابقه‌ی چندانی ندارد و نظریه‌پردازی و نقد در این حوزه نیز به تبع تاریخچه‌ی کوتاه آن، ناچیز و اندک است. از سوی دیگر، ماهیت و کارکرد داستان نوجوان نیز منبعث از مسایل روز جهان و مفاهیم معاصر است. با این حال، در کشورهایی که ادبیات نوجوان در آن‌ها قدمت بیش‌تری دارد، نظریه‌پردازی و نقد داستان نوجوان تقریباً به زمینه‌ای مستقل و پویا تبدیل شده است. در این مقاله، دو هدف دارم^(۱): اول آنکه ضمن بررسی دیدگاه‌های نظریه‌پردازان و منتقدان مطرح این حوزه، مسئله‌ی عاملیت نوجوان را در قالب دوگانه‌هایی مفهومی از منظر دو نظریه‌پرداز ادبیات نوجوان، روبرتا سیلینگر-ترایتس^۱ و کارن کوتس^۲ تبیین و بازنمایی کنم؛ دوم آنکه با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی با تکنیک روندهای موازی، در یک نمونه‌ی موردی منفرد داخلی از داستان نوجوان، این دوگانه‌های مفهومی مربوط به چگونگی عاملیت نوجوان را تحلیل کنم. تفاوت کار من در این مقاله با سایر پژوهش‌هایی که به مسئله‌ی عاملیت پرداخته‌اند، یکی در ماده‌ی تحقیق است که عامدانه داستان نوجوان انتخاب شده است تا محملی برای طرح پرسش از **عاملیت نوجوان** (نه کودک و نه بزرگسال) باشد و دیگر طرح مسئله‌ی عاملیت نوجوان با توجه به وضعیت خاص مفهوم نوجوان در ادبیات نوجوان و در قالب دوگانه‌هایی مفهومی است.

لازم است نکته‌ی دیگری را نیز درباره‌ی هدف این پژوهش توضیح بدهم: هدف من در این مقاله، تعیین وضعیت **عاملیت داستانی** نوجوان در قالب **شخصیت** داستان است، نه عاملیت او در جایگاه **راوی**، یعنی **عاملیت راوی**. اضافه کردن چنین بخشی به این تحلیل، جذاب و جالب خواهد بود، اما از آنجاکه هم از حیث مفاهیم نظری و هم از نظر روش، در حوزه‌ی کاملاً متفاوتی واقع است، گنجاندن آن در این کار، انسجام آن را در این دو زمینه از میان می‌برد و مستلزم پژوهشی جداگانه است.

¹ Roberta Seelinger-Trites

² Karen Coats

۱.۱. پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی عاملیت نوجوان در رمان نوجوان ایرانی، پژوهش دقیقی صورت نگرفته است. پژوهش‌های مرتبطی در این زمینه وجود دارد، مثلاً مقاله‌ی مستخرج از رساله‌ی آقاپور و حسام‌پور (۱۳۹۵) که در آن، عناصر کارناوالی را در سه رمان نوجوان ایرانی بررسی کرده‌اند و به نقش موقعیت کارناوالی این رمان‌ها در توانمندسازی نوجوان نیز اشاره کرده‌اند. البته آن‌ها توانمندسازی نوجوان را در راستای پرورش صدای متمایز او تحلیل کرده‌اند که به‌طور غیرمستقیم به مسئله‌ی عاملیت نوجوان مربوط می‌شود. داستان‌هایی که در این مقاله تحلیل شده‌اند، داستان‌های دیگری جز داستان مدنظر ما در این مقاله‌اند و رویکرد باختینی مدنظر نویسندگان هم متفاوت با رویکرد من در تحلیل عاملیت نوجوان است.

پاشایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ی خود، مفهوم عاملیت را در داستان خاله‌سوسکه بررسی کرده است. در این مقاله، مفهوم عاملیت به‌طور دقیق تعریف نشده است، اما این مفهوم را در کل مقاله به‌صورت پیوسته با مفهوم ایدئولوژی در زمینه‌ای فمینیستی مطرح کرده است. ماده‌ی تحقیق آن نیز متفاوت با زمینه‌ی متنی من است.

در میان پژوهش‌های غیرایرانی نیز برخی آثار به موضوعاتی نزدیک به موضوع این مقاله پرداخته بودند، مثلاً جادی ویزمن و الیزابت سوانستورم^۱ (2016) درباره‌ی جنسیت و عاملیت در داستان نوجوان دو بازه‌ی زمانی تحقیق کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که جست‌وجوی نوجوان برای هویت (در فانتزی نوجوان) در نیمه‌ی قرن بیستم، بر تأمل و تحقق خویشتن شخصی فارغ از جنسیت متمرکز است؛ درحالی‌که سفر بلوغ برای کشف خویشتن در رمان‌های معاصر (از همان ژانر) منوط به جنسیت است. پسران هم‌چنان از طریق وسایط درونی به دنبال هویت خود هستند، اما تصمیمات هویتی دختران حول روابطشان با دیگران، به‌خصوص علایق رمانتیک و پیوندهای خانوادگی متمرکز است (Weissman & Swanstrom, 2016: 1).

¹ Weissman & Swanstrom

رویکرد این پژوهش به موضوع عاملیت از منظر نقد فمینیستی است و عاملیت را باتوجه‌به این حوزه‌ی نظری مطرح می‌کند، ضمن اینکه حوزه‌ی متنی پژوهش نیز به رمان نوجوان‌های اروپایی و امریکایی معطوف است.

رساله‌ی دکتری مک‌دانف^۱ (۲۰۱۷) نیز به مفهوم عاملیت زنانه در داستان‌های کودک و نوجوان اختصاص دارد. در این پژوهش، عاملیت را این‌طور تعریف کرده‌اند: «انتخاب‌هایی که فرد می‌کند و اعمالی که متعاقب آن انجام می‌دهد» (McDonough, 2017: vi) و این مفهوم را به‌طور خاص، با ماهیت زنانه مرتبط کرده‌اند که متفاوت با رویکرد و منظر من و حوزه‌ی متنی آن نیز متفاوت با این پژوهش است.

۲. مباحث نظری پیرامون مفهوم عاملیت در داستان نوجوان

بیشترین بخش مسایل نظری داستان نوجوان عملاً پیرامون مفاهیمی چون رشد، قدرت، سوژگی، عاملیت، جنسیت، مرگ، هویت، خودبود و تشرف شکل گرفته‌اند. این مفاهیم عمیقاً به‌هم پیوسته‌اند و هرکدام دیگری را فرامی‌خواند. ژولیا کریستوا معتقد است که خودِ فرم رمان (لااقل در نوع کلاسیک لیبرال‌انسان‌گرا) نوجوان است، زیرا دغدغه‌ی آن وقایع‌نگاریِ رشد^(۲) اخلاقی، شناختی و احساسی شخصیت است. البته این تعریف شامل رمان‌های وجودی و پست‌مدرن نمی‌شود، زیرا لزوماً به رشد نمی‌انجامند و گاهی روایت‌گر سکون یا واپس‌روی شخصیت رمان‌اند. رمان نوجوان نیز به منزله‌ی یکی از شاخه‌های ژانر رمان، غالباً روایت‌گر رشد است؛ هرچند در برخی انواع آن، رشد محقق نمی‌شود (Coats, 2011: 320). سیلینگر-ترایتس لازمه‌ی رشد را در داستان نوجوان، تجربه‌ی قدرت می‌داند. «نوجوان بدون تجربه‌ی مراتب میان قدرت و فقدان قدرت نمی‌تواند رشد کند» (Silinger-Trites, 2000: x). از نظر او، آن ویژگی اصلی که ادبیات نوجوان را از ادبیات کودک متمایز می‌کند، چگونگی استقرار قدرت اجتماعی در جریان روایت است (رک. Silinger-Trites, 2000: 2). یکی از شیوه‌های اندیشیدن به مفهوم قدرت، اندیشیدن به آن در قالب سوژگی است. مک‌کالم^۲ سوژگی را این‌طور تعریف

¹ McDonough

² Robyn McCallum

می‌کند: «سوژگی حس فرد است از داشتن هویتی شخصی به منزله‌ی سوژه - یعنی تابع میزانی از اجبار خارجی - و در جایگاه عامل - یعنی قادر به اندیشه و عمل آگاهانه و عامدانه. این هویت را مکالمه با آن گفتمان‌ها، اعمال و ایدئولوژی‌های اجتماع شکل می‌دهد که فرهنگی را که فرد در آن زندگی می‌کند، برمی‌سازند» (McCallum, 1999: 4).

این تصویر سوژگی با دو سویه‌ی سوژه (موجودیتی مقهور اجبار خارجی) و عامل (کنشگر دارای انگیزه‌ی درونی)، بازتابنده‌ی تضاد میان ساختار-عاملیت است. عاملیت جایگاهی است که از آن، مقاومت در برابر امر ایدئولوژیک صورت می‌گیرد (McCallum, 1999: 4). گیدنز^۱ معتقد است برای فراروی از شکاف میان رویکردهای قایل به اصالت ساختار و رویکردهای مبتنی بر اصالت عاملان یا کنشگران باید به این نکته توجه کرد که «ما در جریان فعالیت‌های هر روزه‌ی خود، ساخت اجتماعی را فعالانه می‌سازیم و بازسازی می‌کنیم» (گیدنز، ۱۳۷۶: ۷۶۶)، یعنی رابطه‌ی ساختار-عاملیت رابطه‌ای دوسویه است و هر کدام دیگری را برمی‌سازد و بازتولید می‌کند (عاملان انسانی ساختار اجتماعی و ساختار اجتماعی عاملان انسانی را). در داستان نوجوان که محمل بازنمایی این دو سویه‌ی سوژگی در بافت قدرت و مذاکرات و منازعات پیرامون آن است، بازیگرانی که نقش اساسی دارند، عبارت‌اند از: نوجوان، دیگران اجتماعی، قراردادهای روایی و بدن. تعامل پویای این بازیگران در خلق داستان نوجوان و پژوهش درباره‌ی آن بسیار مهم است، اما نتیجه‌ی این تعامل را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، زیرا ماهیت سوژه‌ی این نوع داستان، تغییر است (فردی و فرهنگی) (Coats, 2011: 320).

مباحث بالا را می‌توان این‌طور خلاصه کرد: رمان نوجوان نمودار رشد است؛ رشد برای نوجوان در بستر قدرت و مذاکرات و منازعات او با نهادهای قدرت سامان می‌یابد که طی آن، نوجوان از جایگاه سوژگی خود آگاه می‌شود و آن را برمی‌سازد، یعنی جایگاه آن موجودیتی را که در بطن گفتمان‌ها، اعمال و ایدئولوژی‌های اجتماعی بر ساخته می‌شود و از طریق مکالمه با آن‌ها عاملیت پیدا می‌کند (قادر به اندیشه و عمل آگاهانه و عامدانه می‌شود).

¹ Anthony Giddens

۱.۲. شیوه‌های بازنمایی عاملیت در داستان نوجوان

۱.۱.۲. دیدگاه سیلینگر-ترایتس

از لحاظ تاریخی فرهنگی، دو زمینه‌ی اصلی برای پیدایی داستان نوجوان نشان می‌دهند: اندیشه‌ی رمانتیک انسان‌گرا-لیبرال و اندیشه‌ی پست‌مدرن. رمان نوجوان زیرگونه‌ای از رمان رشد^۱ است که از تفکر پست‌مدرن ظهور کرده است. این دو زمینه‌ی فکری موجب دو مفهوم از رشد در رمان‌های نوجوان می‌شوند: الف. اندیشه‌ی رمانتیک با اهمیت‌دادن به فرد و روان‌شناسی او و آرمان استقلال فرد و خودتعیین‌گری‌اش، مبنای رمان رشد است که گفتیم رمان نوجوان زیرگونه‌ی آن است. بلوغ و غایت رشد در رمان‌های متأثر از این نوع تفکر، متضمن نوعی طرد آگاهانه‌ی اجتماع، و استقلال و خودمختاری سوژه است که در تفکر پست‌مدرن وجود ندارد. ب. در مقابل، اندیشه‌ی پست‌مدرن هم با تأکید بر اینکه فرد سوژه‌ی برساخته‌ی اجتماع است، عامل دیگری در شکل‌گیری این نوع داستان بوده است. در رمان‌هایی که مبتنی بر این نوع تفکرند، رشد بیش‌ازآنکه روایت غلبه‌ی فرد بر نهادهای فرهنگی، سرمایه‌داری و فشارهای اجتماعی یا جدایی از آنها باشد، به‌صورت افزایش آگاهی فرد از نهادهایی که او را برمی‌سازند، پذیرش آنها و آموختن چگونگی زندگی در آنها درمی‌آید (رک. Silinger-Trites, 2000: 16-19). به نظر می‌رسد درنهایت، در داستان نوجوان، همواره میان این دو نگرش به مفهوم رشد و عاملیت ناشی از آن، رقابت وجود دارد. ترایتس می‌گوید مسئله‌ی اصلی رمان نوجوان جایی در ارتباط میان اعتقاد رمانتیک ما به رشد، آگاهی پست‌مدرن ما از محدودیت‌های برساخته‌ی اجتماع قدرت، و تعاملات نوجوان با سازوکارهای ایدئولوژیک قدرت در شکل نهادهای اجتماعی ... واقع است (همان، ۲۰).

۲.۱.۲. دیدگاه کارن کوتس

کارن کوتس معتقد است داستان نوجوان دو وجه وجود نوجوان را آشکار می‌کند: وجه هیولایی و ویرانگر در مقابل وجه زایا و آفرینشگر.

¹ *Entwicklungsroman: Novel of Development*

«بسیاری از رمان‌های خون‌آشامی و هیولایی در عمق خود، مربوط به رشد اخلاقی نوجوانان‌اند. شخصیت‌های نوجوان آن‌ها هم درد و هم درمان تصور می‌شوند؛ بدن آن‌ها به شدت و بالقوه هیولوار است، اما آن‌ها توان آن را دارند و مسئول‌اند که قدرت خود را مهار کنند و تقدیر جهان استوار است بر توانایی عکس‌العمل آن‌ها در برابر موانع عظیم، از جمله اهریمنان درونی خودشان، به صورتی اخلاقی و خویش‌دارانه» (Coats, 2011: 327).

این وجه وجود نوجوان در داستان نوجوان، عاملیت او را در قالب قدرت مهار نیروهای هیولایی و ویرانگرش نشان می‌دهد.

در مقابل آن، وجه زایای نوجوان است مبتنی بر درک پیچیدگی جهان اخلاقی: ... می‌توان گفت که نوجوانان در آستانه‌ی فهمی هستند از نظر احساسی دغدغه‌مند که آن‌ها را به‌طور خاص، مستعد ایجاد هویت زایا می‌کند، به‌خصوص اگر در فرهنگ و ساخته‌های فرهنگی و هنری آن‌ها، از آن نوع هویت حمایت کنند (Ibid).

آن فهم احساسی دغدغه‌مند مبتنی بر نوعی حس عاملیت اخلاقی است. از نظر کوتس، داستان نوجوان برای ایجاد این حس عاملیت اخلاقی در نوجوان می‌کوشد پیچیدگی‌های جهان اخلاقی را از خلال داستان به او منتقل کند، یعنی به او نشان بدهد که جهان بیرون جهانی پاسخ‌گو نیست که در آن، خیلی ساده، عمل خیر پاداش و عمل شر، مجازات در پی داشته باشد (همان، ۳۲۲).

از نظر کوتس، نویسندگان در روایت این جهان ناکامل برای نوجوانان، غالباً میل دارند این اعتقاد را نشان بدهند که اگر در واقعیت، بتوانیم آنچه اریک اریکسون^۱ (1964) تکانه‌ی «زاینده‌گی» می‌نامد، پرورش و گسترش دهیم، رشد و پیشرفت ممکن است. اریکسون معتقد است که «تحقق ... هویت» خود را در میل به ارتباط برقرارکردن با دیگران آشکار می‌کند، در تعهد به آن نوع توجه و مراقبت نوع‌دوستانه برای دیگران که خود ما در کودکی دریافت کرده‌ایم. این تکانه آن‌قدر برای هویت انسان بنیادی است که اریکسون می‌گوید «ما گونه‌ی آموزگار هستیم» (همان، ۳۲۷).

¹ Erik Erikson

تصویر این وجه وجود نوجوان در داستان نوجوان، عاملیت او را در قالب توان مراقبتی، نوع دوستانه و دیگرخواهانه‌ی او نشان می‌دهد.

به این ترتیب، از منظر کوتس، داستان نوجوان در میانه‌ی دو گونه هویت هیولوار و زایا شکل می‌یابد و عاملیت نوجوان نیز در قالب همین دو گونه هویت پا می‌گیرد. در ادامه‌ی مقاله، نمونه‌ای از داستان‌های نوجوان فارسی را از نظر تصویری که از عاملیت قهرمان نوجوان ارایه می‌کند، تحلیل خواهم کرد. برای تحلیل، از مفاهیم نظری پیش‌گفته به صورت مقوله‌هایی برای تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌کنم. نمونه‌ی موردی که برای تحلیل برگزیده‌ام، داستان گزارش مرد لوبیایی از مهدی رجبی است. آنچه در بخش مقدمات نظری مقاله در باب عاملیت نوجوان در داستان نوجوان آمد، مجموعه‌ای از نظرات نظریه‌پردازان برجسته‌ی این حوزه بود، اما سؤالی که پیش می‌آید، این است که این نظریات با داستان نوجوان ایرانی چه نسبتی دارند. باتوجه به اینکه داستان نوجوان در ایران سابقه‌ی چندانی ندارد و نظریه‌های جهانی این حوزه نیز این آثار را در نظر نمی‌گیرند، آیا می‌توان زمینه‌های نظری موجود در حوزه‌ی داستان نوجوان را به نمونه‌های ایرانی نیز تعمیم داد؟ برای پاسخ به این پرسش باید جریان نقد و تحلیل داستان نوجوان ایرانی به‌طور دقیق و گام‌به‌گام، در طی پژوهش‌های متعدد، این مفاهیم را بسنجند و ارزیابی کنند. در همین راستا، در این مقاله، مفهوم عاملیت را در یک نمونه‌ی موردی بررسی می‌کنم. بدیهی است که وضعیت این نمونه‌ی واحد، تعمیم‌پذیر به کل داستان نوجوان ایرانی نیست، اما در مسیر آشکارسازی مفهوم عاملیت نوجوان در داستان ایرانی واقع است و بخشی از پاسخ پرسش بالا را فراهم می‌کند.

۳. روش تحلیل متن: تحلیل محتوای کیفی می‌رینگ

باتوجه به اینکه هدف ما در این کار، ساختاردهی^۱ متن داستان بر مبنای مفهوم عاملیت و مفاهیم پیوسته به آن در زمینه‌ی نظری پیش‌گفته است، ماهیت کار از نوع تحلیل محتوا است و از آنجا که مفاهیم اساسی از نظریه‌ها برآمده‌اند، تحلیل محتوا از نوع قیاسی

^۱ Structuring

(مبتنی بر نظریه) است. با این حال، فقط نظریه‌ی مبنا نیست که تعیین‌کننده‌ی روش تحلیل خواهد بود؛ ویژگی‌های متن‌ی که تحلیل می‌شود نیز عامل مؤثری در انتخاب روش است. متن مدّنظر من داستانی نسبتاً کوتاه است با ساختار تمثیلی-نمادین و شخصیت‌های نیمه‌واقعی. راوی داستان، نوجوان است (فرزند بابا و مامان در داستانی که برچسب نوجوان دارد) و بنابراین باید وضعیت عاملیت او را در قالب ساختارهای اجتماعی جهان داستان بررسی کرد. از آنجاکه این جهان خاصیت نمادین دارد (به قرینه‌ی غیرواقعی بودن برخی شخصیت‌ها مثل پیرزن کلاغ یا برخی عناصر مثل لویایی جادویی و تمرکز بر مفاهیم مشخصی پیرامون هرکدام از شخصیت‌ها و عناصر داستان در بافت جهان داستانی و تکرار آن‌ها^۳)، در این جهان نمادین، پی‌جویی ساختارهای قدرت و گفتمان‌های مؤثر در تعیین عاملیت نوجوان نیز باید در قالب شخصیت‌ها، نهادها و عناصر نمادین باشد. به همین سبب در دل مفاهیم مستخرج از نظریه چون عاملیت، ساختارهای قدرت و... برای بازنمایی این مفاهیم، باید مفاهیم و مقوله‌هایی از خود متن استخراج کرد، یعنی استخراج مقوله‌های استقرایی نیز ضرورت دارد.

بدین ترتیب، درنهایت، روش تحلیل محتوای کیفی با تکنیک ترکیبی شیوه‌های موازی (Mayring, 2014: 106) را برگزیدم که عبارت است از استفاده‌ی هم‌زمان از تکنیک‌های قیاسی و استقرایی در تحلیل محتوا. از آنجاکه داستان نمادین است و درک آن مستلزم تفسیر نمادها و ساختار تمثیلی داستان است، تحلیل محتوا را با الگوی کیفی انجام خواهم داد که در آن، بر نقش تفسیری سوژه‌ی رمزگذار/منتقد تأکید می‌شود. روش‌ها و روندهای کار مبتنی بر شیوه‌ی می‌رینگ^۱ (ibid) است که ساده، شفاف و انعطاف‌پذیر است.

۱.۳. ماده‌ی تحقیق: گزارش مرد لویایی

داستان گزارش مرد لویایی داستانی از مجموعه‌ی قصه‌های عجیب برای بچه‌های عجیب و غریب، نوشته‌ی مهدی رجبی است. علت انتخاب این اثر آن بود که در

¹ Philipp Mayring

خوانش نخست، به نظر می‌آید علی‌رغم آمدن برچسب *داستان نوجوان* در شناسنامه‌ی کتاب، قهرمان نوجوان داستان تقریباً روایت‌گر صرف است و ظاهراً نقشی در پیش‌برد حوادث داستان ندارد^(۴)؛ بنابراین بررسی نوع و میزان عاملیت او چالش‌برانگیز به نظر می‌رسید. به همین دلیل، سنجش عیار عاملیت نوجوان و نوع عاملیت او را موضوع مناسبی برای تحلیل تلقی کردم.

خلاصه‌ی داستان: در این داستان، از زبان *راوی کم‌سن و سال*، ماجرای پدر آتش‌نشان او را می‌خوانیم که عاشق بالارفتن از نردبان و نجات‌دادن دیگران است. پدر در آخرین برنامه‌ی نجات خود، پیرزن کلاغی را نجات می‌دهد و به همین دلیل، مدال شجاعت می‌گیرد، اما در نتیجه‌ی سقوط از نردبان، مشاعرش را از دست می‌دهد. مردی که در طبقه‌ی پایین‌تر ساختمان زندگی می‌کند و همیشه در حال جمع‌کردن لوبیاهای و شمردن آن‌ها است، سقوط پدر را موقع نجات پیرزن می‌بیند و روزنامه‌ها برای نقل ماجرا، از گزارش او استفاده می‌کنند. مادر پس از سقوط پدر، برای بهتر شدن حالش به خرید کردن کدو رو می‌آورد، اما پس از مدتی با تهدید صاحب‌خانه به اخراج آن‌ها و تمام شدن ذخیره‌ی پول خانواده، مادر تصمیم به فروختن مدال شجاعت پدر می‌گیرد و *راوی* را برای این کار به بازار می‌فرستد. *راوی* با مرد لوبیایی مواجه می‌شود که بدون خریدن مدال، به او لوبیایی جادویی می‌بخشد. لوبیا را به خانه می‌آورد و شب‌هنگام، پیرزن کلاغی دانه را در گلدان می‌کارد. صبح، لوبیای جادویی غول‌پیکر رشد می‌کند و پدر پیش از بقیه، از آن بالا می‌رود. مادر و *راوی* هم بعداً به دنبال او می‌روند و امیدوارند شبیه قصه‌ی جک و لوبیای سحرآمیز، بالای گیاه غول‌پیکر، ثروت و رفاه در انتظارشان باشد، اما در نیمه‌ی راه، سقوط پدر را می‌بینند. مادر قصد دارد به بالارفتن ادامه بدهد، اما *راوی* تصمیم دارد دنبال پدر برود و در کنار او باشد. مادر هم ناگهان تصمیم خود را عوض می‌کند؛ ساقه‌ی لوبیا را قطع می‌کند و او و *راوی* سقوط می‌کنند. در پایان، *راوی* امیدوار است که «به زودی برمی‌گشتیم پیش بابا» و معتقد است «باید سه‌تایی پیش هم می‌ماندیم... برای همیشه...» (رجبی، ۱۳۹۶: ۶۲).

۲.۳. تحلیل محتوای کیفی گزارش مرد لوبیایی بر مبنای مفهوم عاملیت نوجوان

۱.۲.۳. تعیین پرسش پژوهش

پرسش اساسی تحلیل ما این است: وضعیت عاملیت نوجوان در داستان گزارش مرد لوبیایی به چه صورت است؟

۲.۲.۳. تعریف مقوله‌ها

باتوجه به اینکه از تکنیک روندهای موازی استفاده می‌کنیم، دو نوع مقوله خواهیم داشت: قیاسی و استقرایی.

۱.۲.۲.۳. مقوله‌های قیاسی

برای تحلیل عاملیت نوجوان در داستان باید وضعیت او، پایگاه اندیشه و عمل او و احتمالاً مقاومتش را در برابر امر ایدئولوژیک در داستان نشان داد. برای این کار باید نشان بدهیم که در برابر هریک از عناصر و جهات بالا، اندیشه و عمل راوی نوجوان چگونه و در چه جهتی است. این کار مستلزم آن است که مفهوم عاملیت را که از نظریه گرفته‌ایم، در داستان رمزگذاری کنیم، یعنی مقوله‌ی عاملیت و مفاهیم متصل به آن را به صورت قیاسی تعریف کنیم. باتوجه به زمینه‌ی نظری که پیش‌تر مطرح کردیم، مفاهیم مفیدی که در تحلیل ما کارآیی دارند، عبارت‌اند از:

عاملیت: قدرت اندیشیدن و انجام عمل آگاهانه و عامدانه؛ جایگاه مقاومت در برابر امر ایدئولوژیک؛

ساختارهای قدرت: مجموعه‌ی افراد، نهادها و گفتمان‌هایی که هویت سوژه را در اجتماع برمی‌سازند؛

سوژگی: حس فرد است از داشتن هویتی شخصی به منزله‌ی سوژه، به این معنا که تابع میزانی از اجبار خارجی است و هم‌زمان، در جایگاه عامل واقع است، یعنی قادر به اندیشه و عمل آگاهانه و عامدانه است. هویت سوژه از طریق مکالمه با گفتمان‌ها، اعمال و ایدئولوژی‌های اجتماعی سازنده‌ی فرهنگ برساخته می‌شود، همان فرهنگی که فرد در آن پرورش می‌یابد.

رمزگذاری مقوله‌ها بالا در متن، بنا به نظریات موجود، وضعیت عاملیت نوجوان را در دو شکل زیر آشکار خواهد کرد:

تقابل اندیشه‌ی رمانتیک / اندیشه‌ی پست‌مدرن: مسئله‌ی اصلی رمان نوجوان جایی در ارتباط میان اعتقاد رمانتیک ما به رشد، آگاهی پست‌مدرن ما از محدودیت‌های برساخته‌ی اجتماع قدرت و تعاملات نوجوان با سازوکارهای ایدئولوژیک قدرت در شکل نهادهای اجتماعی ... واقع است.

تقابل هویت هیولوار / هویت زایا: تصویر هیولایی و مبتنی بر قدرت‌های ویرانگر نوجوان که البته توان مهار و اداره‌ی آن قدرت‌ها نیز در خود نوجوان هست، در مقابل تصویر نوجوان به صورت موجودیتی خلاق و آفرینشگر که تکانه‌ی زاینده‌ی را تبدیل به فهم احساسی دغدغه‌مندی از جهان و مناسبات آن می‌کند و از تصور جهان پاسخ‌گو و اخلاقیات ساده و کودکانه فراتر رفته است.

۲.۲.۲.۳. مقوله‌های استقرایی

۱.۲.۲.۲.۳. تعیین معیار انتخاب و سطح انتزاع

برای اینکه بتوانیم نقشه‌ی روابط قدرت و در نتیجه، وضعیت عاملیت نوجوان را در این داستان پیدا کنیم، ابتدا باید مفاهیم و عوامل شکل‌دهنده‌ی آن را از متن داستان استخراج کنیم. پس معیار انتخاب مقوله‌ها در این مرحله، دخالت آن‌ها در روابط قدرت موجود در داستان است. از آنجاکه داستان نمادین است، هر یک از عناصر و اجزای داستان که نهادها یا ساختارها یا افراد واجد قدرت را نمایندگی کنند و نیز هرکدام از مفاهیمی که این نهادها، ساختارها یا افراد نماینده‌ی آن‌ها هستند، بخشی از ساختار قدرت را نشان می‌دهند. به این ترتیب، سطح انتزاع مقوله‌ها در حد کلمات و عبارات است.

در تحلیل سطر به سطر متن، این عناصر را در این زمینه استخراج کردیم: راوی نوجوان، بابا، مامان، پیرزن کلاغ، مرد لوبیایی، زن مرد لوبیایی، همه-مردم-ناشناس‌ها، صاحب‌خانه، دکترها، روزنامه‌ها، اداره‌ی آتش‌نشانی، بازار، گول، نردبان، لوبیای سحرآمیز، خانه، کدو، مدال شجاعت، نجات دادن، رضایت از زندگی، جنون/عقل، ثروت/فقر

۳.۳. استخراج مقوله‌های اصلی

برای شفاف‌تر شدن طبقات و ساختار قدرت در داستان، عناصر بالا را در قالب سه طبقه‌ی اصلی سامان دادیم که نماینده‌ی مقوله‌های اصلی هستند:

شخصیت‌ها و نهادها: راوی نوجوان، بابا، مامان، پیرزن کلاغی، مرد لوبیایی، زن مرد لوبیایی، همه-مردم-ناشناس‌ها، صاحب‌خانه، دکترها، روزنامه‌ها، اداره‌ی آتش‌نشانی، بازار، غول^(۵)؛

اشیا و طبیعت بی‌جان (متصل به ارزش-ایدئولوژی): نردبان، لوبیای سحرآمیز، خانه، کدو، مدال شجاعت؛

مفاهیم نماینده‌ی ارزش-ایدئولوژی: نجات‌دادن، رضایت از زندگی^(۶)، جنون/عقل، ثروت/فقر؛ کارکرد، جایگاه و روابط عناصر موجود در هریک از این سه طبقه در مجموع، روابط قدرت را در این داستان می‌سازند. در این میان، جایگاه راوی نوجوان که همه‌ی وقایع و عناصر داستان از زاویه‌ی دید او منتقل می‌شوند، محوری است.

برای ارزیابی مقوله‌ها، ارزیابی درون‌رمزگذار صورت گرفت که تقریباً صحت آن‌ها را تأیید کرد؛ فقط یک شخصیت و یک مفهوم به مجموعه‌ی آن‌ها افزوده شد که برای اختصار، از آغاز در فهرست بالا آمده است.

رمزگذاری بر مبنای نظام مقوله‌های استقرایی و تعریف روابط آن‌ها با هم در داستان گزارش مرد لوبیایی می‌توان مقوله‌های مربوط به قدرت، عاملیت و جایگاه نوجوان را در ساختار قدرت به این صورت توصیف کرد:

در داستان، با توجه به اینکه تمام ماجراها از زبان راوی نوجوان روایت می‌شود، او را در مرکز ساختار تصور می‌کنیم. نهادها و شخصیت‌های اصلی پیرامون او را در چهار جهت اصلی می‌توان طبقه‌بندی کرد.

در یک جهت، بابا و مرد لوبیایی واقع‌اند. وجه شباهت هر دوی آن‌ها این است که در ساختار خانواده جا نیفتاده‌اند. همسران هر دوی آن‌ها از عملکرد آن‌ها در این ساختار ناراضی‌اند و مرد لوبیایی ناظر و راوی ماجرای سقوط بابا از ساختمان است.

در جهت دیگر، یعنی در مقابلِ بابا و مرد لوبیایی، مامان و همسر مرد لوبیایی واقع‌اند که از دید هر دوی آن‌ها مرد لوبیایی «روانی» است و به نظر می‌رسد با مردهای دیوانه‌ای که یکی به جادو و دیگری به نجات انسان‌ها و بالارفتن از نردبان علاقه دارد و هر دو متهم به جنون‌اند، مشکل دارند.

در جهت دیگر، پیرزن کلاغی واقع است که با مفاهیمی چون آسمان، بالا و درخت جادویی مرتبط است.

در جهت مقابل آن می‌توان مردم، نهادهای عمومی چون آتش‌نشانی، دکترها، روزنامه‌ها و صاحب‌خانه را قرار داد. ویژگی عناصر واقع در این طیف، آن است که اولاً از مسایل، مشکلات و واقعیت آنچه در خانواده‌ی راوی می‌گذرد، فاصله دارند و در واقع، از دور ناظر وقایع‌اند؛ ثانیاً، بخش‌های مختلف این گروه داوری‌ها و واکنش‌های متفاوتی به وقایع دارند. صاحب‌خانه در این گروه، نماینده‌ی نهاد بازار (پول) است، دکترها نماینده‌ی نهاد دانش‌اند که تعیین می‌کنند بابا دیگر از دایره‌ی خرد خارج شده؛ روزنامه‌ها نماینده‌ی رسانه‌ها هستند که در اینجا فقط ناظرند و بخشی از مردم هم که با عنوان‌هایی چون همه، مردم، ناشناس‌ها معرفی می‌شوند نیز نسبت به اتفاقاتی که در خانواده‌ی راوی می‌افتد، موضعی انفعالی دارند و به‌ویژه، بر این نکته تأکید می‌شود که آن‌ها این موضوعات را فراموش کرده‌اند. اداره‌ی آتش‌نشانی نهادی کمک‌رسان است که آرمان اصلی آن نجات‌دادن است. مفهوم نجات‌دادن از مفاهیم مورد علاقه‌ی بابا هم هست و «نجاتش دادم» جزو عبارت‌هایی است که بابا زیاد تکرار می‌کند، اما مدال شجاعت او در بازار خریداری ندارد. بدین ترتیب، در داستان، میان ارزش‌های اداره‌ی آتش‌نشانی/بابا و ارزش‌های نظام بازار/پول تضاد وجود دارد. صاحب‌خانه نماینده‌ی نظام بازار و پول است، زیرا خانه دارد و مادر را تهدید می‌کند که باید گورش را گم کند. تصویر مربوط به این بخش هم تصویر اسکناس است و تأکید بر این مفهوم را نشان می‌دهد.

۱.۳.۳. رمزگذاری بر مبنای مقوله‌های قیاسی

عاملیت: بنا به تعریفی که پیش‌تر ارائه کردیم، در طول داستان، هر جا که راوی عملی آگاهانه و عامدانه انجام داده است (حتی انتخاب موضع انفعال، سکوت و بی‌تصمیمی)، می‌توان مصداق عاملیت او را یافت. اولین جایی که در طول داستان، راوی در مقام یک

شخصیت داستانی سخن می‌گوید و عمل می‌کند، زمانی است که صاحب‌خانه به مادر هشدار داده که باید خانه را خالی کنند و مامان گفته است مدال شجاعت بابا بی‌ارزش است. در یافتن مصادیق عاملیت نوجوان در این داستان، به نقش روایت‌گری (یعنی انتخاب و گزینش او در روایت و شیوه‌ی روایت او) نمی‌پردازیم و فقط نقش او به منزله‌ی شخصیت داستان را مد نظر خواهیم داشت. برای روشن‌تر شدن معنای بافتی هر اندیشه / عمل (مصادق مقوله)، موقعیت بافتی آن را نیز ذکر می‌کنم. مجموعه‌ی مصادیق مقوله‌ی عاملیت نوجوان و موقعیت ظهور آن‌ها را در جدول زیر گرد آورده‌ام.

موقعیت	عمل / اندیشه‌ی راوی
گفت‌وگو با مامان درباره‌ی فروش مدال	مخالفت ضمنی: «ولی مدال شجاعت باباست»
درخواست مامان برای فروش مدال	اقدام برای فروش مدال
مواجهه با مرد لوبیایی	معرفی خود از طریق انتساب به بابا (یادآوری ماجرای سقوط بابا)
مواجهه با مرد لوبیایی	تلاش برای فروش مدال به او
گفت‌وگو با مرد لوبیایی	اعلام قصد خود از فروش مدال شجاعت (خریدن کدو برای مامان تا حالش بهتر شود)
گفت‌وگو با مرد لوبیایی	اعلام نظر مامان نسبت به مرد لوبیایی: «مامان من هم بهت گفت روانی»
گفت‌وگو با مرد لوبیایی	اعلام موضع بی‌طرفی نسبت به موضوع سلامت عقل مرد لوبیایی: «من هیچ فکری نمی‌کنم. من فقط اومدم مدال شجاعت بابام رو بفروشم»
گفت‌وگو با مرد لوبیایی	اندیشه‌ی انفعالی نسبت به جادویی بودن لوبیا و تأکید بر بی‌طرفی نسبت به موضوع سلامت عقل مرد لوبیایی
گفت‌وگو با مامان بعد از اعلام فروش نرفتن مدال	دادن خبر دیدارش با مرد لوبیایی / دادن خبر گرفتن لوبیای جادویی
گفت‌وگو با مامان بعد از اعلام فروش نرفتن مدال	اعلام موضع متفاوت با مامان درباره‌ی سلامت عقل مرد لوبیایی: «مرد بدی نبود... فقط چون لوبیا جمع می‌کرد، زنش و لش کرد رفت»
بیدار شدن در نیمه‌شب	نگاه کردن به کلاغ که خاک گلدان را با منقارش چال می‌کند (انفعال) و

با صدای قارقار	سکوت در برابر او
دیدن لوبیای جادویی رشدکرده	جیغ کشیدن (ترس؟ شگفتی؟)
پرسش مامان: «تو کاشتیش؟»	فکرکردن و رسیدن به این نتیجه که او لوبیا را نکاشته/ اعلام اینکه کلاغ لوبیا را کاشته و خودش او را دیده
پرسش مامان: «یعنی بابات رفته بالا؟»	یادآوری اینکه بالا رفتن عادت باباست یادآوری اینکه باید بروند و او را پایین بیاورند
بعد از فهمیدن اینکه بابا رفته بالای لوبیای جادویی	به مامان و به خانه نگاه کردن
بعد از فهمیدن اینکه بابا رفته بالای لوبیای جادویی	بالارفتن از لوبیا
بعد از فهمیدن اینکه بابا رفته بالای لوبیای جادویی	موافقت با اینکه مامان چاقو بیاورد و استدلال در تأیید آن: «بابا می گفت اون بالا غول هست»
بعد از فهمیدن اینکه بابا رفته بالای لوبیای جادویی	تأکید مجدد بر اینکه باید بابا را پایین بیاورند
تصمیم مامان برای ماندن بالای لوبیا	مخالفت ضمنی: «ولی باید بریم بابا رو بیاریمش پایین. خودش یادش می ره بیاد پایین»
اصرار مامان برای ماندن بالای لوبیا	مخالفت صریح: «نه. باید بابا رو بیاریمش پایین»
اصرار مجدد مامان برای بالارفتن و ماندن	سکوت و ادامه دادن به صعود از لوبیا
سقوط بابا از لوبیا	اعلام اینکه احتمالاً صدایی که شنیده اند، صدای باباست
انکار مامان	مخالفت صریح: «نه. من برمی گردم پایین. صدای بابا بود. نباید تنهاش بذاریم. نباید ولش کنیم. زن مرد لوبیایی ولش کرد. مرد لوبیایی نگاهش غصه داشت.»
سردرگمی و غصه‌ی مامان	اعلام تصمیم خود و علت آن: «من برمی گردم پایین. بابا تنهاست»

سؤال از مامان هشدار درباره‌ی اینکه زیاد بالا آمده‌اند و ممکن است بمیرند تأکید مجدد بر امکان مرگ در اثر سقوط از ارتفاع	حمله‌ی مامان به ساقه‌ی لوبیا
توجه به بالای سر مامان و دیدن پیرزن کلاغی: «اما من می‌دیدم» سکوت، بستن چشم‌ها، انتظار اعلام اینکه آن‌چه مهم است، برگشتن پیش باباست اعلام بی‌اهمیتی واقعی یا غیرواقعی بودن آن‌چه می‌بیند، پیرزن کلاغی، بی‌اهمیتی گزارشی که درباره‌ی آن‌ها به روزنامه‌ها می‌دهند یا ازدست دادن عقلشان	بریدن ساقه‌ی لوبیا توسط مامان

ساختارهای قدرت: رمزگذاری این مقوله مستلزم تعریف مقوله‌هایی استقرایی ذیل آن بود. به این ترتیب، در بخش مقوله‌های استقرایی، مصادیق این ساختارها را در قالب اشخاص و نهادها، طبیعت و اشیای بی‌جان، و مفاهیم نماینده‌ی ارزش-ایدئولوژی در چهار گروه اصلی طبقه‌بندی کردم.

سوژگی: این مفهوم شامل دو وجه است؛ یک وجه شامل نمونه‌هایی است که راوی نسبت به ساختارها و نهادهای قدرت موجود، موضع انفعالی یا تسلیم داشته است و دیگر، نمونه‌هایی که در مقابل این نهادها و ساختارها اندیشه و عمل آگاهانه ورزیده است. به هر روی، رمزگذاری این مقوله باید در قالب مواجهه‌های او با این ساختارها و نهادهای قدرت و در خلال تحلیل اندیشه و عمل او صورت بگیرد.

در مجموع مصادیق عاملیت راوی، او در برابر مامان، بابا، مرد لوبیایی، روزنامه‌ها، ارزش عقل/جنون و پیرزن کله‌کلاغی موضع‌گیری و عمل دارد.

مامان: سه بار مخالفت ضمنی، دو بار مخالفت صریح و چهار بار موافقت با او مخالفت‌های ضمنی و صریح به موضع‌گیری و عمل مامان درباره‌ی بابا و مرد لوبیایی برمی‌گردد. درباره‌ی بابا مخالفت‌های راوی به نمونه‌هایی برمی‌گردد که مامان قصد رهاکردن بابا یا مخالفت با ارزش‌های او (مدال شجاعت) را دارد. درباره‌ی مرد لوبیایی، مخالفت راوی به داوری مامان درباره‌ی سلامت عقل او برمی‌گردد.

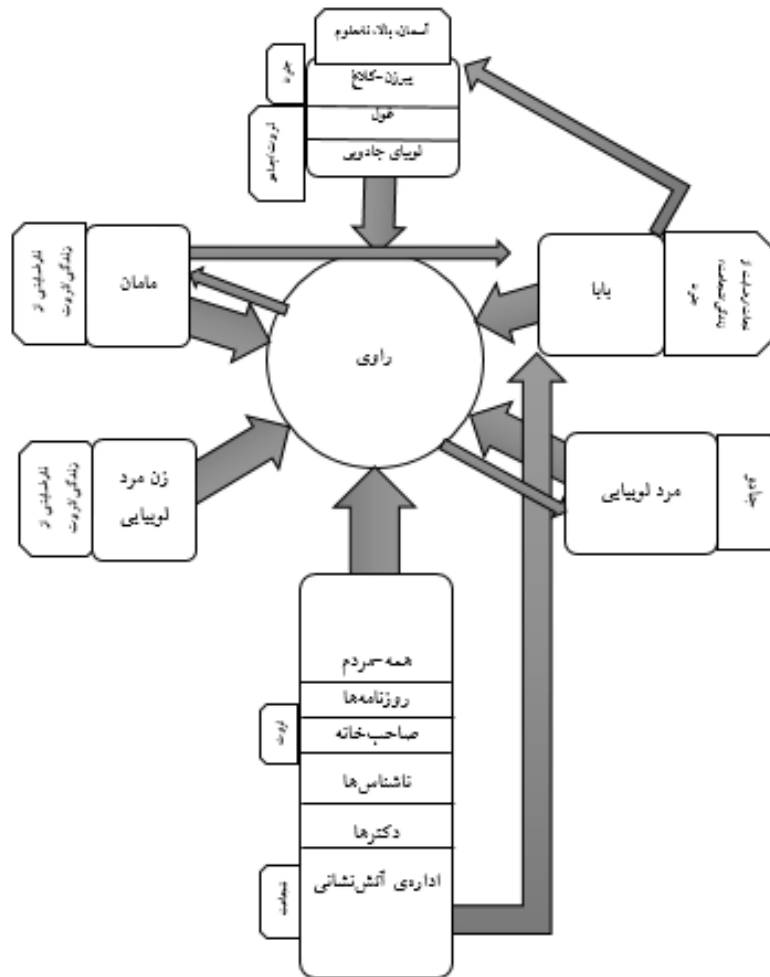
موافقت و همراهی‌ها به فروش مدال (به قصد کسب آرامش برای مامان)، نجات بابا، بالارفتن از لوبیا (به قصد رهایی از مشکلات) و آوردن چاقو (برای دفاع از خود) برمی‌گردد.

بابا: موضع‌گیری و عمل راوی نسبت به بابا شامل این مصداق‌ها است: انتساب به او، دفاع از ارزش‌های او (مدال شجاعت)، مخالفت با مامان برای نجات او، یادآوری آموزه‌های او (قصه‌ی لوبیای جادویی و غول)، دل‌سوزی برای بابا (ایجاد تناظر میان بابا و مرد لوبیایی).

مرد لوبیایی: موضع‌گیری و عمل راوی برابر مرد لوبیایی شامل این مصداق‌ها است: پذیرفتن هدیه‌ی او، داوری مثبت درباره‌ی او (مرد بدی نبود)، موضع انفعالی نسبت به او. **مردم / روزنامه‌ها:** موضع راوی نسبت به مردم و روزنامه‌ها عبارت از بی‌اهمیت‌انگاشتن چیزهایی است که آن‌ها درباره‌ی سقوطشان گزارش خواهند کرد. **ارزش عقل / جنون:** موضع راوی عبارت است از بی‌اهمیت‌انگاشتن از دست دادن عقل (در برابر ارزش همراهی با بابا).

پیرزن کله‌کلاغی: موضع راوی نسبت به پیرزن کلاغ در مجموع نشان‌دهنده‌ی ابهام، انفعال و درنهایت، بی‌اهمیت‌انگاشتن اوست.

روابط نهادها، اشخاص و ارزش‌های مهم داستان را در نمودار بعد نشان داده‌ام.



۲.۳.۳. تحلیل یافته‌ها و تفسیر آن‌ها

در این مرحله، وضعیت عاملیت نوجوان را در قالب دو شکلی که سیلینگر-ترایتس و کارن کوتس ارایه کرده‌اند، تحلیل می‌کنم. کنار هم گذاشتن مجموع یافته‌های فوق نشان می‌دهد که راوی در بخش‌های ابتدایی داستان، ناظری منفعل است، اما وقتی بابا عقلش را از دست می‌دهد و صاحب‌خانه نیز مادر را برای خالی کردن خانه زیر فشار می‌گذارد، نخستین نشانه‌های اندیشه و عمل او در برابر انواع مواضع ایدئولوژیکی که او را احاطه کرده‌اند، آغاز می‌شود. مهم‌ترین تقابل ایدئولوژیکی که راوی با آن مواجه است، تقابل

میان مواضع بابا و مامان است. بابا نماینده‌ی آرمان‌هایی است چون نجات‌دادن و بالارفتن، و مامان نماینده‌ی ارزش پول (خانه، کدو) است. بابا عاشق کارش است و از زندگی‌اش راضی است؛ مامان هیچ وقت از زندگی‌اش راضی نیست؛ بابا عاشق کارش است، اما مامان بیشتر مواقع گریه می‌کند و کاری جز پوست‌کندن کدو برای آرامش‌یافتن (فراموش کردن مشکلاتش) انجام نمی‌دهد. مامان مرد لوبیایی را «روانی» می‌داند، اما بابا برای نجات پیرزنی که تصور می‌کند کلاغ است، خطر می‌کند. در مجموع، موضع بابا موضع فعال و توأم با نگرش مثبت به زندگی است، اما مامان تا اواخر داستان، موضعی انفعالی و نگرشی منفی به زندگی دارد.

دو موضع کلی دیگر هم در داستان هست؛ اولی مربوط به عموم مردم است که از دید راوی، کلیتی همگون را تشکیل می‌دهند و نسبت به وقایع زندگی راوی، صرفاً در حد اطلاع واکنش نشان می‌دهند و خیلی زود، آن را فراموش می‌کنند؛ دومی مربوط می‌شود به پیرزن کلاغ و تا حدی مرد لوبیایی که معرف نگرشی غیرعادی به زندگی‌اند. پیرزن کلاغ و مرد لوبیایی با جادو و تفکر غیرمعارفی مشخص شده‌اند که از دید مامان و زن مرد لوبیایی، به جنون نزدیک است. بابا هم پس از آن‌که پیرزن کلاغ را نجات می‌دهد و سقوط می‌کند، به جمع این دیوانگان می‌پیوندد (وقت خواب، صدای قارقار درمی‌آورد) و دکترها اعلام می‌کنند که مخش بدجوری ضربه خورده است.

اداره‌ی آتش‌نشانی در میان نهادهای اجتماعی موجود در داستان، استثنائاً به ارزش‌های بابا نزدیک است؛ روزنامه‌ها موضع خنثی دارند و صاحب‌خانه نماینده‌ی نگرشی است مبتنی بر ارزش‌مندی پول که خانه و کدو (نماینده‌ی رفاه و آرامش) در برابر نجات‌دادن (که شاید بتوان آن را به نوع‌دوستی و ارزش‌های اخلاقی تعمیم داد)، نمادهای آن هستند.

راوی در میان این نگرش‌های گوناگون، ابتدا بیش‌تر موضع انفعالی دارد. او برای فروش مدال، مطیع مامان است، اما به نظر می‌رسد درباره‌ی فروش مدال شجاعت بابا تردید دارد؛ البته تردید او بیش از آن‌که معطوف به ایدئولوژی باشد که مدال نماد آن است، معطوف به خود باباست و اهمیت مدال برای او. پس از مواجهه با مرد لوبیایی، درباره‌ی او موضع خنثی دارد، اما در پایان به این نتیجه می‌رسد که او «مرد بدی

نیست»، یعنی تا حدی به سمت او متمایل می‌شود؛ متتهی راوی لوبیا را نمی‌کارد و درباره‌ی واقعی بودن جادوی لوبیا نظری نمی‌دهد؛ هرچند در مقابل موضع منفی مامان نسبت به مرد لوبیایی، بر اینکه او «مرد بدی نیست» تأکید می‌کند.

پس از اینکه لوبیا در خانه رشد می‌کند و متوجه می‌شوند که بابا از آن بالا رفته، راوی بر لزوم بازگرداندن بابا تأکید می‌کند و وقتی مامان می‌گوید که دیگر نمی‌خواهد از بالای لوبیا برگردد، راوی باز این تأکید را تکرار می‌کند. در بخش پایانی، راوی حتی با مامان مخالفت صریح می‌کند و با ذکر نمونه‌ی مشابه مرد لوبیایی، از مامان هم می‌خواهد با او همراه شود و موفق می‌شود نظر او را هم عوض کند. در این بخش، ابتدا با بریدن ساقه‌ی لوبیا هم مخالفت می‌کند، اما بعد تسلیم می‌شود. او در پایان، پایگاه ایدئولوژیک خودش را با تأکید بر «اهمیت پیش بابا بودن» خودش و مامان مشخص می‌کند و به نوعی، در جمله‌ی پایانی کتاب، تقریباً تمام مواضع مهم دیگر را در داستان، بی‌اهمیت تلقی می‌کند.

با در نظر گرفتن یافته‌های پژوهش و تحلیل آن‌ها در مقام پاسخ‌دهی به پرسش پژوهش (وضعیت عاملیت سوژه‌ی نوجوان در داستان گزارش مرد لوبیایی در قالب دو شکل نظری پیش‌گفته) می‌توان گفت که راوی در طول داستان و در جریان رشد، پایگاه ایدئولوژیک خودش را بر مبنای تعامل با گفتمان‌ها و مواضع ایدئولوژیک گوناگون شکل می‌دهد (مثلاً پس از گفت‌وگو با مرد لوبیایی به این نتیجه می‌رسد که او «مرد بدی نیست»). این موضع ایدئولوژیک متمایل به موضع باباست، اما به‌صراحت از مواضع و ارزش‌های خاص او حمایت نمی‌کند؛ به جای آن، بر اهمیت کنارهم‌بودن اعضای خانواده، فارغ از عواقب و تبعاتش تأکید می‌کند. این دیدگاه رمانتیک با نفی اجتماع (بی‌اهمیت‌انگاشتن آن‌ها) و تکیه بر استقلال سوژه در قالب نهاد خانواده همراه است. باین‌حال، در طول داستان، با نشان‌دادن وضعیت راوی در میان ایدئولوژی‌های رقیب، بر قدرت نهادها و ساختارهای قدرت در برساختن سوژه نیز تأکید می‌شود.

از سوی دیگر، همین تأکید راوی بر کنارهم‌بودن، نشانگر شکل‌گیری تکانه‌ی زاینده‌گی مبتنی بر مراقبت از هم‌نوع است که کوتس در مقابل نیروی ویرانگر نوجوان بر

آن تأکید می‌کند و نشان‌دهنده‌ی شکل‌گیری هویت زایا در نوجوان است، در مقابل هویت هیولایی که در مجموع، اثری از آن در داستان نمی‌بینیم (مگر آنکه سقوط راوی و مامان را در کنار هم، نوعی ویرانگری شخصی تعبیر کنیم که در این صورت نیز باتوجه‌به قصد آن‌ها از سقوط که همان کنارهم‌بودن اعضای خانواده است، آن را نوعی ترکیب هویت هیولوار-زایا باید دانست).

۴. نتیجه‌گیری

تحلیل وضعیت عاملیت نوجوان در قالب مفاهیم اساسی مربوط به داستان نوجوان و مسئله‌ی اساسی این داستان‌ها بخش اول این مقاله را تشکیل داد. بر این اساس، دو قالب اساسی برای ظهور عاملیت نوجوان آشکار شد: ۱. عاملیت در قالب سوژه‌ی مختار مبتنی بر اندیشه‌ی رمانتیک یا در قالب سوژه‌ی برساخته در اندیشه‌ی پست‌مدرن؛ ۲. عاملیت در قالب هویت هیولایی یا در قالب هویت زایا.

در ادامه، مفاهیم بخش نخست را در داستان گزارش مرد لویایی پی‌گیری کردم و معلوم شد سوژه‌ی نوجوان در این رمان، از نظر عاملیت، در طیف میان سوژه‌ی مستقل رمانتیک و سوژه‌ی برساخته و نسبتاً مقهور پست‌مدرن واقع است، اما در بخش پایانی داستان، انتخاب اصلی او متمایل به اندیشه‌ی رمانتیک است و متضمن اندیشه و عمل آگاهانه در برابر مواضع ایدئولوژیک دیگر و نفی اهمیت آن‌هاست. با این وصف می‌توان گفت عاملیت سوژه‌ی این داستان بیش‌تر بر اساس اندیشه‌ی رمانتیک تصویر شده و بر استقلال سوژه تأکید دارد، اما باتوجه‌به تعلیق وضعیت سوژه در پایان داستان و طرح امکاناتی چون جنون یا مرگ سوژه، بر اهمیت نهادهای قدرت و نیز بر اهمیت مرگ به منزله‌ی امری زیستی و گریزناپذیر تأکید می‌شود.

از سوی دیگر، پایان‌بندی داستان با تکیه بر اندیشه‌ی کنارهم‌بودن و برتری‌دادن آن بر سایر اندیشه‌های جایگزین، بر شکل‌گیری نوعی هویت زایا دلالت دارد که البته مستلزم گسست از سایر بخش‌های اجتماع و نادیده‌گرفتن آن‌هاست.

یادداشت‌ها

- (۱). استفاده از ضمیر اول شخص تعمداً و آگاهانه صورت گرفته است، زیرا معتقدم نویسنده مسئول نوشته‌ی خویش است و استفاده از ضمیر سوم شخص تأثیری در غیرشخصی‌سازی مفاهیم مقاله ندارد و سنت درستی نیست.
- (۲). و می‌دانیم که ماریا نیکولایه‌وا ادبیات کودک و نوجوان را نمودار فرآیند رشد می‌داند (Nikolajeva, 2002: 111-136).
- (۳). در فرهنگ اصطلاحات ادبی، نوشته‌ی بهرام مقدادی، ذیل مفهوم **نماد**، این ویژگی‌ها برای آن ذکر شده است: «نماد شیء یا موجود جاننداری است که هم خودش است و هم مظهر مفاهیمی جز خودش؛ دریافت پیام و مفهوم نماد به متن یا عوامل پیرامون آن بستگی دارد؛ بیش از آنکه به صراحت بیان شود، به مخاطب القا می‌شود و تکرار در ایجاد جنبه‌ی نمادین آن نقش مهمی دارد» (مقدادی، ۱۳۷۸: ذیل نماد).
- (۴). قهرمان داستان مشخصاً فرزند خانواده است، اما به سن و سالش در داستان اشاره‌ای نشده.
- (۵). شخصیت **غول** را پس از ارزیابی درون‌رمزگذار به مقولات افزودم. این شخصیت در مقولات اولیه وجود نداشت.
- (۶). مفهوم **رضایت از زندگی** را پس از ارزیابی درون‌رمزگذار به مقولات افزودم. این مفهوم در میان مقولات اولیه نبود.

منابع

- آقاپور، فرزانه و حسام‌پور، سعید. (۱۳۹۵). «بررسی عنصرهای کارناوالی رمان‌های نوجوان ایرانی بر اساس نظریه‌ی میخائیل باختین». *ادبیات پارسی معاصر*، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۱، بهار و تابستان، صص ۱-۲۳.
- پاشایی، روشنگر. (۱۳۹۱). «عاملیت در خاله‌سوسکه و پری چه کسی را با خود برد». *پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان*، شماره‌ی ۵۳، بهار، صص ۱۱۷-۱۲۲.
- رجبی، مهدی. (۱۳۹۵). *گزارش مرد لوبیایی*. تهران: پیدایش.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی*. تهران: نی.
- مقدادی، بهرام. (۱۳۷۸). *فرهنگ اصطلاحات ادبی، از افلاطون تا عصر حاضر*. تهران:

- Coats, Karen. 11111111 Young Ydult Yiterature: "Growing wp, In Theory". In *Wolf, Shelby A. et.al.* (ed.), New York and London: Routledge (Taylor & Francis Group). Pp. 315-330.
- Mayring, Philipp. (2014). *Qualitative Content Analysis: theoretical foundation. basic procedures and software solution.* Austria: Kalegenfurt.
- McCallum, Robyn. (2002). *Ideologies of Identity in Adolescent Fiction: the dialogic construction of subjectivity.* New York and London: Garland Publishing Inc.
- McDonough, De gan Sarah. 77777777 "From Damsel in Distress to Active Agent: Female Agency in Children and Young Adult Fiction.. *Electronic Theses and Dissertation.* Paper 2728.
- .i.ola.e a , Maria. 0000.. "Growing up: The Dilemma omChildren's Literature". In *Sell, Roger D. (ed.)*, Amsterdam /Philadelphia: John Benjamin Publishing Company.
- Seelinger-Trites. Roberta. (2000). *Disturbing the Universe: power and repression in adolescent literature.* Iowa City: University of Iowa Press.
- Weissman, modi & Swansrtom, mn6666666 "Gender and Agency in Aoung Adult Fiction.. *Undergraduate research Journal.* 6. pp. 6-6.